



Available online at <http://jgu.garmian.edu.krd>



Journal of University of Garmian

<https://doi.org/10.24271/garmian.24.11C36>

درآمدی بر موسیقی تنبور

مازیار حیدری

--نوازنده و سازنده ساز و تنبور، عضو پیوسته خانه موسیقی ایران
--پژوهشگر، نوازنده و سازنده ساز و تنبور، دکترای درجه یک هنر
و عضو پیوسته خانه موسیقی ایران

Article Info		چکیده:
Received:	September, 2023	تنبور یکی از قدیمی‌ترین و تاثیر گذارترین سازها است که هم در ساختار ظاهری سازهای دیگر تاثیر داشته و هم به دلیل جایگاه آیینی‌اش، در حفظ و گسترش نغمات کهن موثر بوده است. کردستان سرزمینی که با تنبور پیوندی همچون جان و تن دارد، در ماندگاری این ساز نقش بسزایی داشته و کلام که همراه با تنبور، فرهنگ باورها، رفتارها، عشق‌ها و جنگ‌ها را به شیوایی بیان می‌دارد در هر منطقه، به شیوه‌ای خاص نواخته می‌شود. گرمیان (منطقه گرمسیری کردستان) منطقه‌ای کهن، اصیل، نجیب و یکی از این مناطق است که در این جلسه به آن می‌پردازیم و نغماتی را که از دل آن به یادگار مانده، اجرا می‌کنیم. حفظ و نگهداری نغمات قدیم موسیقی فولکلور در منطقه گردنشین یارسان، همچون گنجی پنهان شده در تاریخ است که به مدد تکنولوژی و ارتباطات امروزه به دیگران شناسانده شده و با شنیدن آن دریچه‌ای به عمق تاریخ، فرهنگ و موسیقی گشوده می‌شود.
Revised:	February, 2024	
Accepted:	March, 2024	
Keywords		
یارسان، موسیقی کردی، مقام گرمیانی، تاثیر موسیقی کرد		
Corresponding Author		
maziarheidaritar@gmail.com		

مقدمه:

بشر در طول تاریخ در حال خلق و تکمیل دست آفریده‌های خود بوده و هست. در این کوتاه نوشت سعی بر آن است که خلاصه‌ای از سیر تحول موسیقی و نظریه‌هایی که در چگونگی پیدایش و همچنین مراحل تبدیل و تغییراتی که در ساخت ابزار آن، به خصوص موسیقی نواحی که تنبور و تار جزئی از آن می‌باشد را بیان کنیم.

نغمه‌های دل‌انگیز موسیقی همزمان با خلقت بشر همراه بوده و در افسانه‌ها آمده است که فرشتگان به فرمان الهی با تنبور در مقام طرز نواهای ملکوتی را نواخته تا مستانه روح را در جسم خاکی برزند.

نواهای طبیعی همانند صدای قطرات آب در دل غارها و یا وزیدن باد در تنه خالی درختان و چه چه پرندگان خوش صدا الهام بخش ساخت و خلق سازها و نواها می‌باشند. در ابتدا سعی در تقلید این نغمه‌ها با حنجره و نای خویش و یا با روش‌هایی مانند کوبیدن سنگ به هم و دمیدن در اجسام تو خالی مراحل اولیه خلق ابزار موسیقی را آموخته است. در درازنای تاریخ، بشر بصورت غریزی با نوای آواز و صدای ساز به شور آمده چنانچه درغم و شادی، هنگامه کار، شکار، جنگ و از هر ابزاری که تولید صدا می‌کرده در جهت تقویت خود و رسیدن به هدفش استفاده برده است و در این راه به پیشرفت‌هایی دست یافت و توانست طیفی از سازهای مختلف را بیافریند.

- سازهای بادی: بوق‌ها، نی‌لبک‌ها، کرنا‌ها و... که از شاخ حیوانات یا چوب و سنگ و گل ساخته می‌شد.

- سازهای کوبه‌ای: طبل‌ها، دهل‌ها، دپ‌ها (دف) و... که از کاسه سر حیوانات و تنه درختان و سفال و گل ساخته می‌شد.

- سازهای زهی: تنبور، رباب، بربط، کمانچه، سه تار، تار و... که با گل، پوست کدو، چوب و ساخته می‌شد.

هر ملتی به فراخور روحیات، مذهب، اقلیم و یا شرایط مختلف زندگی خود نوعی از ابزار موسیقی را ساخته و بوجود می‌آوردند که برخی آداب خاصی را برای آن قوم و ناحیه به همراه دارد یا در خدمت دین، درمان بیماری‌ها، دفع بلاهای طبیعی، بارش رحمت الهی و بعضی در دستگاه حکومتی برای اعلان جنگ، پیام رسانی، و یا به کار گرفته شده است.

بشر آموخته است که در پی حفظ و حراست از سرگذشت و تاریخ پیشینیان خود باشد. آن دسته از آداب و رسوم یا ابزارهایی را که در طول زمان دیگر استفاده نمی‌کند و یا کمتر مورد استفاده دارد را ثبت و ضبط کند چرا که یکی از ارکان اساسی و بنیادین حیات انسان‌ها گذر از سه نقطه جاری از زمان به نام دیروز - امروز و فردا می‌باشد که سخت به هم پیوسته و تنیده است و قابل تفکیک از یکدیگر نیستند، در پی هم شکل می‌گیرند و می‌گذرند. در میان آفرینش‌های مختلف و ابداعات گوناگون و ابزارهای فراوانی که انسان‌ها در زمینه‌های متفاوت برای رفع نیازهای خود ساخته‌اند بخشی نیز با روح و روان آدمی مرتبط بوده که ابزار و آلات موسیقی و خنیا است.

به دلیل دشواری در ساختن و نواختن هر ابزار موسیقایی رفته رفته این کار به شکلی کار بردی در زیبایی شناختی درآمده و هرکس که در آن به کمال و زیبایی می‌رسیده را متفاوت با دیگران می‌نموده است. و از اینجا به بعد به شکلی خاص تبدیل به یک فن شده و در پی آن شاخه‌ای از هنر بوجود می‌آید که هنر خنای ایرانی است.

واژه هنر مشهورتر و مفهوم‌تر از آن است که بخواهیم تفصیلاً از ریشه و تبار آن سخن بگوییم چنانکه می‌دانیم این واژه اصالتاً اوستایی و پهلوی بوده و مرکب از «هو» به معنای خوب، نیک، زیبا، بسیار، بسنده و رسا می‌باشد و «نَر» به معنای مرد است که در مجموع به معنی نیک مرد یا انسانی با فضایل و خصایل پاک انسانی است. علاوه بر این معنای مشهور نظریه دیگری «هو» را به همان معنا گرفته و «نَر» را بدین صورت تجزیه و معنا می‌کند که: «ن» نره میانوند است همچون الف در کلمه (سراسر) و ادامه آن «اره» است که در پهلوی به معنای کمال می‌باشد. بنابراین «هون اره» در قلمرو این نظریه به معنای انجام کاری در حد کمال می‌باشد و در پی آن شاخه‌ای در هنر بوجود می‌آید که هنر خنای ایرانی است. که در این میان پیچیده‌ترین سرشت و در هم تنیده‌ترین ساختار را دارا است.

ایران و ایرانیان با داشتن بیش از شش هزار سال تاریخ کهن و فرهنگ ژرف در همه‌ی رشته‌های علمی و هنری سرآمد تمام اقوام و ملل جهان بوده و می‌توان با شواهدی که در دست داریم و شهادت تاریخ نویسان شرق و غرب به این یقین رسید و با مطالعه و بررسی بیشتر می‌توان ریشه و پایه اکثر سازهای موسیقی امروزی را در سراسر جهان که مورد استفاده هنرمندان قرار دارد را به ایران نسبت داد از جمله این اسناد مهر (چغامیش) است که گواهی می‌دهد ایرانیان اولین فرم نوازندگی گروهی را در حدود شش هزار سال پیش را در جهان داشته‌اند و یا سندی دیگر حجاری‌های طاق بستان است که در آن گروه‌های چنگ نواز را که در قایق نشسته و به خنیا مشغول هستند را به تصویر کشیده است.



در این میان ما با نگاهی گذرا به بررسی ریشه‌شناسی و سیر تحول و تکامل و مشتقات تنبور که یکی از قدیمی‌ترین سازهای زهی است می‌پردازیم که می‌توان آن را مادر سازهای زهی مضرابی دانست این ساز کهن از چند جهت از دیر باز تا کنون مورد توجه بوده است.

ریشه‌شناسی تنبور

طنبور: یکی از آلات مهتر است از ذوات الاوتار قسمی ماندولینا از ذوات الاوتار و آن در ایران و بلغارستان و میان عرب متداول است. از آلات موسیقی و از ذوات الاوتار است قسمی از آن را شش تا گویند که شش تار دارد و قسمی دیگر را سه تا که سه تار دارد. در قدیم دو وتر بر آن بوده و امروز تا شش وتر نیز بر آن کنند. نوعی از رودجابه‌ها است.

کریتنسن در کتاب ایران عصر ساسانیان گوید: ... مسعودی نام آلات موسیقی ایرانیان را چنین آورده است: عود، نای، طنبور مزمار، چنگ و گوید مردم خراسان بیشتر آلتی را در موسیقی بکار می‌بردند که هفت تار داشت و آن را زنگ، زنج می‌خواندند اما مردم ری و طبرستان و دیلم طنبور را دوست تر داشتند و این آلت نزد همه فرس مقدم بر سایر آلات بوده است. شکارگاه خسرو در طاق بستان ظاهراً حاکی از این است که در آن عصر چنگ آلت درجه اول موسیقی ساسانی بوده است اما آلت دیگر که مطابق آثار آن عصر مسلماً در عهد پرویز وجود داشته عبارتست از شیپور و طنبور و نای... نام عده‌ی کثیری از آلات موسیقی در رساله خسرو و غلامش مستور است از جمله عود هندی موسوم به ون و عود متداول موسوم به دارو بریط و چنگ طنبور و سنطور موسوم به کنار و نای و قره‌نی موسوم به مار و طبل کوچکی موسوم به دمبلگ و آلتی به نام رنگ که دارای هفت تار بوده است:

بوی برانگیخت گل چو عنبر اشهب	بانگ برانگیخت مرغ با ئخ طنبور
همان‌گاه طنبور در بر گرفت	سرائیدن از کام دل درگرفت
خورد سیلی زند بسیار طنبور	دهد تیز او بتازی همچو تندور
گهی سماع زنی گاه بریط و گه چنگ	گهی چغانه و طنبور و شوشک و عنقا

زینتی یا فرخی

بی‌پرده طنبور و بی‌رشته چنگ

دراج کشد شیشم و قالوس همی

منوچهری

سابقه تاریخی تنبور

تنبور از کهن‌ترین سازهای مقامی ایرانیان است و از پیکره‌های یافت شده از ویران‌های باستانی شوش تاریخی، بیش از هزار و پانصد سال پیش از میلاد مسیح قدمت دارد. ابن خردادبه نیز از آواز خوانی مردم ری، طبرستان و دیلم با تنبور سخن رانده است. در کتیبه‌های کهن نیز بسیار نوازندگان تنبور دیده می‌شوند.

در نواختن تنبور نیز نوازنده از هر ده انگشت دست راست و چپ بهره می‌جوید و گرچه در نگاه نخست ساده به چشم می‌آید اما نواختن درست و ملودی گردانی آن سال‌ها پشتکار و پاکی جان و تن را در پی دارد. درویش علی چنگی شاعر و موسیقی‌شناس قرن شانزدهم که زاده بخاراست طنبور را چنین نامیده که (طن) همان (دل) و (بوره) (خراشیدن) است. از این دست افسانه‌ها زیادند اما آنچه باید دانست آنست که هرچه هست تنبور سازی از هزاره دور پی‌مانند است. در کهن‌ترین شعر ایرانی از متون کهن درخت آسوریک از زبان بز می‌گوید:

"...مژدا پرستان پادیاب بر پوست من دارند چنگ و وین و کنار و بریت و تمبور!"

همچنین در بُندهِشن نیز درباره نوای ساز آمده است:

«وین بانگ آن است که پرهیزگاران نوازند و اوستا بر خوانند بریطی و تنبور و چنگ و هر ساز زهی دیگر که نوازند وین خواند.»

و نیز اشعار فراوانی از بزرگان شعر و ادب مانند فردوسی که خوان چهارم رستم را به شعر این گونه می‌سراید:

فرود آمد از اسب و زین و برگ بغرم و به نان اندر آمد شگفت

نشست از بر چشمه فرخنده پی یکی جام یاقوت پر کرده می

ابا می یکی نغز طنبور بود بیابان چنان خانه سور بود

این ساز شگفت آور نه تنها در ایران زمین که بین همسایگان این سرزمین پهناور نیز نواخته می‌شود و مردمان اهل موسیقی آن را دوست می‌دارند. حفظ و نگهداری نغمات قدیم موسیقی فولکلور در منطقه کرد نشین (یارسان) همچون گنجی پنهان شده در تاریخ است که به مدد تکنولوژی و ارتباطات امروزه به دیگران شناسانده شده و با شنیدن آن دریچه‌ای به عمق تاریخ، فرهنگ و هنر موسیقی گشوده می‌شود. که از جهات مختلف بر فرهنگ‌ها و اقوام دیگر تأثیرگذار می‌باشد. تنبور بغدادی (تیسفونی، کردی)، تنبور خراسانی، ترکی، افغانی، هندی، تاجیکی، مراکشی و ... از این دسته‌اند.

فرود آمد از اسب و زین و برگ بغرم و به نام اندر آمد شگفت

نشست از بر چشمه فرخنده پی یکی جام یاقوت پر کرده می

ابا می یکی نغز طنبور بود بیابان چنان خانه سور بود

این ساز شگفت آور نه تنها در ایران زمین که بین همسایگان این سرزمین پهناور نیز نواخته می‌شود و مردمان اهل موسیقی آن را دوست می‌دارند. تنبور بغدادی (تیسفونی، کردی)، تنبور خراسانی، ترکی، افغانی، هندی، تاجیکی، مراکشی و ... از این دسته‌اند.

انواع تنبور

تنبور بغدادی: که در قدیم دارای دو سیم بوده است که امروزه سه سیم است و سیزده پرده یا نت دارد.

تنبور ترکی: دارای دو سیم می‌باشد که در ایران، ترکیه و آفریقا معمول است.

تنبور خراسانی یا دو تار: دارای دو سیم به ضخامت‌های مساوی و در مناطق مختلف طول متفاوت دارد و به طور معمول دارای هشت پرده می‌باشد.

تنبور هندی: جنس کاسه از چوب یا کدو است و چهار سیم دارد.

تنبور شروینان: این ساز دارای دو سیم است از جنس ابریشم و کاسه آن گلابی شکل است.

تنبور افغانی: هجده سیم دارد و طول بیشتر از سایر تنبورهاست و با مضراب نواخته می‌شود.

در این جا به طور خلاصه به شرح تنبور بغدادی (تیسفونی، کردی) که مورد بررسی ما می‌باشد می‌پردازیم.

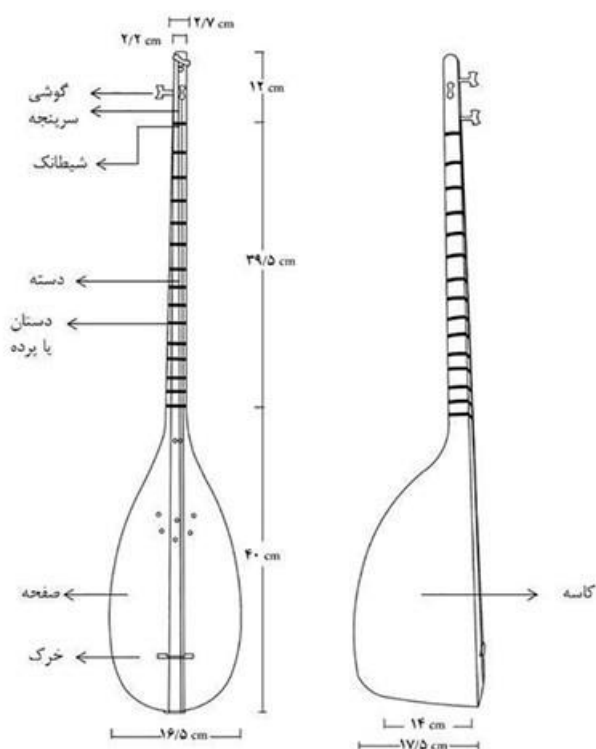
تنبور بغدادی و موارد استفاده آن: به روایتی تنبور بغدادی همان است که بغ به معنی خداوند است به تنبوری که کردگار بخشش کرده، مانند شده است. تنبور فقط یک ابزار موسیقی نیست زبان موسیقایی یک آئین قدیم ایرانی است و معرف یک فرهنگ قدیم بشری است. مردم یارسان (اهل حق) در مناطق گردنشین ایران تنبور را مقدس می‌دانند. و همچنان در فرهنگ و هنرشان کلام بزرگان و سخنان پیشینیان خود را همراه با تنبور می‌سرایند.



تنبور بغدادی

ابعاد تنبور بغدادی: با تغییراتی که به مرور زمان در تنبور رخ داده است کمترین تغییرات را تا به امروز در تنبور بغدادی می‌بینیم.

تنبور در قدیم دو سیم یا وتر داشته که از جنس ابریشم یا زه بوده است. امروزه از سیم‌های فلزی استفاده می‌شود و یک سیم به آن اضافه گردیده تا قدرت صدا دهی بهتری پیدا کند.



اندازه‌های تنبور دست آفریده استاد اسدالله گهواره از آن استاد مازیار حیدری



کاسه: از چوب درخت توت (کاسه یکپارچه یا یک تکه) سرپنجه، گوشه و شیطانک (خرک بالای دسته)



دسته: از چوب گردو یا چنارموج، دستان‌ها: از روده تابیده



نمای پشتی و قوس زیبایی تنبور



سیم گیر از شاخ یا بزکوهی و خرک فوفل



صفحه روی تنبور
(چوپ توت قدیم)



نگاره سنگی تنبور ۵ هزار سال پیش نینوا - آشور پیکره تنبور نواز اشکانی



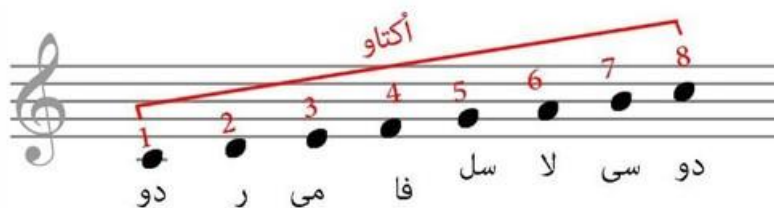
پیکره تنبور نواز نقاشی مینیاتور

پیکره تنبور نواز ساسانی



نوازندگان ایلامی ۵۰۰۰ سال پیش

- گستره کوک تنبور:



کوک تنبور: بی گمان واژه کوک را زیاد شنیده‌اید که همان هماهنگ کردن ساز و آواز است و در بیشتر سازها هماهنگی بین سیم‌های گوناگون که از قانونی ویژه پیروی می‌کنند را کوک ساز می‌گویند. هر کوک نامی ویژه‌ای دارد مانند کوک ماهور یا کوک همایون و... که بسیار بین نوازندگان و خوانندگان مانای دارد. در ساز تنبور نیز کوک‌های گوناگونی نواخته می‌شود که برای آشنایی چندتایی که بیشتر به گوش آشناترند را نگاشته‌ایم:

کوک طرز (دو سیم اول do تک سیم دوم fa)

کوک برز (دو سیم اول do تک سیم دوم sol)

سبک‌های ساختن: تنبور را به سبک‌های مختلفی از جمله کاسه یک تکه و کاسه ترک‌های (چمبرهای) می‌سازند و حوضه‌های تنبورنوازی مناطق مختلف در سبک ساخت چه از نظر اندازه و ابعاد آن و چه از نظر فرم صدا دهی با هم متفاوت است. مانند سبک گوران و سبک صحنه هم در ساخت و هم در نوازندگی تفاوت‌های بسیاری دارند.

نوازندگان تنبور: از سازآفرینان پیشین تنبور نام و نشان چندانی یافت نمی‌شود. اما می‌توان نام برخی را که تنبورهای دست ساخته ایشان موجود است را نام برد. مانند استاد خداوردی، استاد قادر، استاد نریمان آبنوسی، استاد ابراهیم قنبری مهر و... خانواده فرمانی با هشت نسل تنبور ساز، از قدیمی‌ترین تنبورسازان نام آشنای امروز می‌باشند. که به ترتیب از جد بزرگ‌شان استاد فرمان، استاد حسین، استاد چنگیز، استاد شمس‌اله، استاد اسداله، استاد یداله، استاد عزت‌اله، استاد فردین و آخرین نسل کاوه و بابک می‌توان نام برد.



به ترتیب از راست: استادان یداله، اسداله، عزت اله، فردین و بابک فرمانی

نوازندگان تنبور

برخی از نوازندگان پیشین و معاصر ما که در تنبورنوازی و تنبورسازی بسیار تاثیرگذار بوده‌اند.

سید امراله شاه ابراهیمی، نورعلی الهی، سیدقاسم افضل‌شاه ابراهیمی، درویش امیر حیاتی، طاهر یارویسی، عابدین خادمی، ایاز قزوینه‌ای، غلام زنده دل، خداوردی، خاموشی، میرزا سیدعلی کفاشیان.

نوازندگان امروز: کیخسرو پورناظری، علی اکبر مرادی، علیرضا فیض بشی‌پور، سید خلیل عالی نژاد، سید آرش شهریاری، قباد قبادی، گل نظر و داود عزیزی، افشین رامین، فرید و فرنود الهامی، دنیا کمالی، مریم جاوید مهر و ...

که هر کدام دستی بر آتش تنبور دارند و برخی صاحب سبک در نوازندگی هستند.

سبک‌های نوازندگی تنبور: برخی از نوازندگان تنبور که به پختگی در نوازندگی رسیده و مقامات و کلام‌ها را به فراخور حال و هوای درونی خویش به طور شایسته می‌نوازند، پیروان و شاگردانی در سبک خود دارند که هر کدام به نام ایشان ثبت گردیده است. مانند سبک‌های نوازندگی گوران (استاد طاهر یارویسی، کیخسرو پورناظری، علی اکبر مرادی ...) یا سبک‌های نوازندگی صحنه (سید امراله شاه ابراهیمی، درویش امیر حیاتی، سید خلیل عالی نژاد).

کلام و مقامات تنبور: اعتقاد بر این است که پیش از تنبور کلام و نغمات به وجود آمده و پس از آن به آهنگ تنبور ساخته و پرداخته و کامل گردیده است. در نتیجه کلام پیش از تنبور است که ابتدا به آئین‌هایی خوانده می‌شده همراه با کف زدن و سپس نغمه‌های تنبور اجرا و آئین‌هایی به خصوص در جمع یاران، اجرا می‌گردیده است. تنبور نوازان بر این باورند که مقام‌های و کلام‌های تنبور هفتاد و دو نغمه است و آن را به مقام‌های حقانی، مجلسی و مجازی بر شمرده‌اند. نام برخی از مقام‌ها همچون امیری گرمسیری (گرمیانی)، عابدینی، سارو خانی، طرز، شاه خوشین، سحری، سوار سوار، قطار، جنگه راه و هستند.

مشتقات تنبور

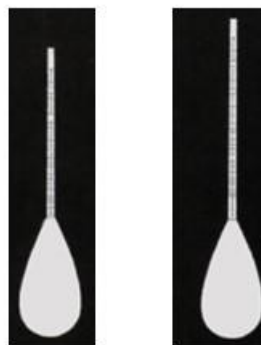
تنبور در گذر زمان با تغییراتی به شکل سازهای مختلف درآمده، که بنیاد تمام آنها ریشه در تنبور دارد. که برخی به شرح زیر است:
چگور: شباهتی زیادی به دو تار دارد اما تعداد سیم‌هایش بیشتر از تنبور است بین پنج تا هشت سیم دارد و از خانواده تنبور است.



- **قپوز:** نوعی تنبور است با هفت یا نه سیم و حدود بیست پرده دارد.



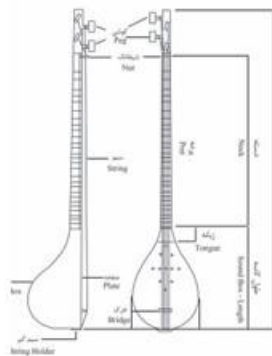
- **دیوان (باغلاما):** نوعی تنبور است که دارای پنج تا هفت سیم و حدود نوزده تا بیست و سه پرده در دو نوع دسته کوتاه و بلند.



- **بربط (عود):** فرم تکامل یافته از تنبور است که در دو نوع دسته کوتاه و بلند ساخته می‌شود و با ده یا یازده سیم و بدون پرده.



- سه تار: در بین سازهای که از خانواده تنبور هستند سه تار از اهمیت زیادی برخوردار است این ساز در حال حاضر بر خلاف نامش چهار سیم دارد. سیم چهارم را مشتاق علیشاه کرمانی در حدود دویست و سی سال پیش به آن اضافه کرد.



تار

ریشه شناسی تار

تاریخچه تار

تار سازی ایرانی است. اختراع آن از آن ایرانیان است. تار، سازی است زهی، مقید، زخمه‌ای، پرده‌دار که با زخمه (مضرب) نواخته می‌شود. روی کاسه و نقاره آن پوست می‌کشند و 6 سیم دارد (در قدیم از روده حیوانات یا ابریشم به جای سیم استفاده می‌کرده‌اند) دو سیم اول حاد، دو سیم دوم وتر، دو سیم سوم واخوان، هنگام یا بم نامیده می‌شوند. تار، تا دوره قاجار 5 سیم داشت که سیم واخوان، توسط درویش‌خان به تقلید از سیم مشتاق در سه تار، روی تار نصب و دارای 6 سیم شد. خرک آن را روی پوست قرار می‌دهند. تعداد پرده‌ها (دستان یا الحان) آن 25 تا 28 پرده از جنس روده گوسفند است. تار در لغت به معنی رشته است و در ادوات موسیقی، در اصطلاح امروزی (سیم) گفته می‌شود.

تار، یکی از مهم‌ترین سازهای ایرانی است و تمامی حالت‌های موسیقی ایرانی و ویژگی‌های اصیل و سنتی اقوام مختلف ایران را در خود دارد. از تاریخ دقیق پیدایش آن اطمینان نداریم و از سازندگان دوران اولیه آن نیز پی‌نبریم. معلوم نیست دقیقاً از چه زمانی این نام به سازی که امروزه در دست ماست اطلاق شده است.

برخی اختراع آن را به فیلسوف، ریاضی‌دان، ستاره‌شناس و موسیقی‌دان بزرگ ایرانی ابونصر فارابی در سال 260 ه. ق نسبت می‌دهند که بزرگ‌ترین موسیقیدان ایرانی پس از اسلام است. کتاب موسیقی الکبیر، بزرگ‌ترین اثر وی از نظر عملی- نظری است و چگونگی صوت، آهنگ، شعر، وزن و ساخت انواع سازها و وسایل موسیقی را در خود دارد (البته تار به صورت و شکل ابتدایی آن منظور نظر است). آن ساز ابتدایی در طول زمان تکامل یافته تا به شکلی رسیده که امروز در دست ما می‌باشد. البته سندی در دست نیست که این مطلب را ثابت کند، تنها در اشعار باباطاهر که تقریباً هم عصر وی بوده، نام تار برده شده است که آن هم معلوم نیست دقیقاً به منظور همین ساز باشد. بعدها در اشعار فرخی سیستانی (شاعر اواخر سده چهارم و اوایل سده پنجم هجری قمری) در ردیف وسایل و سازهای موسیقی نام تار ذکر شده است:

هر روز یکی دولت و هر روز یکی غز
هر روز یکی نزهت و هر روز یکی تار

در اشعار باباطاهر و قآنی نیز به تار اشاره شده است:

دلی دیرم چو مرغ پا شکسته چو کشتی بر لب دریا نشسته

همه گویند طاهر تار بنواز صدا چون می‌دهد تار شکسته

باباطاهر

رفت و بالاله رخان دامن صحرا بگرفت با می و چنگ و نی و بریط و رود و دف و تار

قآنی

آنچه مسلم است تا دوره صفویه، سازی به شکل تار امروزی نداشته‌ایم و در نقاشی‌های چهل‌ستون اثری از آن دیده نمی‌شود، در صورتی که کمانچه و بریت و سنتور در آن نقاشی‌ها تصویر شده‌اند.

در دوره صفویه از نوازندگانی مانند شهباز چهارتاری نام برده شده است. ساخت این چهارتار را به یکی از مؤسسين سلسله صفویه به نام شیخ حیدر (وفات 898 ه. ق) نسبت می‌دهند و شخص دیگری به نام رضاءالدین شیرازی، سازی به نام (شش تار) را اختراع کرده که به تار شیرازی معروف بوده است. [3]

امروزه بعضی همین اصطلاح را در مورد تار امروزی یعنی تار فارسی یا شیرازی به کار می‌برند (در مقابل تار قفقازی یا آذری). « قابل ذکر است که محققین روسی و ممالک دیگر که در مورد تار تحقیقاتی داشته‌اند، هیچ‌گونه اطلاعاتی از مورد استفاده قرارگرفتن تار در قرون شانزده الی نوزده میلادی در آذربایجان ارائه ننموده‌اند».

به نقل از کتاب تار آذربایجانی، موسیقی‌دانی آذربایجانی به نام میرزا صادق اسدآغلو (صادق‌جان)، در قرن هجدهم میلادی در شهر شوشا با تغییراتی در تار ایرانی، تار آذربایجانی را ایجاد کرد.

ابتدا 18 سیم بر روی تار نصب کرد، اما فشار زیاد سیم‌ها به خرک و پوست، آن را با مشکل مواجه کرد و در نهایت یازده سیم شد، همچنین شکل کاسه آن را نیز تغییر داد.

نمونه‌ای از تار پنج سیم ایرانی در موزه تاریخ جمهوری آذربایجان موجود است، که تاریخ ساخت آن 1744 میلادی در شهر شوشا می‌باشد.

تارهای قدیمی‌تر، چه از نظر فرم و چه صدادهی به اشکال امروزی نبوده و به تدریج تکامل یافته‌اند. نمونه‌های زیر مؤید این ادعاست.

توجه به تار در دوره خاصی از تاریخ ایران و گسترش آن توسط نوازندگان بزرگی مانند خاندان هنر، خانواده فراهانی (آقا علی‌اکبر- آقا غلامحسین- میرزا عبدالله- میرزا حسینقلی) باعث شد طیفی از سازندگان تار به وجود آیند که توانستند تار را به حد کمال خود بسازند و این هنر را پرورش دهند. متأسفانه کمترین اطلاع را از آنها داریم. تارهای ساخت دست برخی، مانند استاد فرج‌الله و یحیی بجا مانده ولی بعضی تنها با ذکر نام‌شان می‌توان از آنها یاد کرد. لازم به ذکر است برخی مانند فرج‌الله در ساخت سازهای دیگر از جمله کمانچه، سه‌تار، سنتور و... نیز تبحر داشته‌اند.



شناسایی اجزای تار

کوک و گستره صدادهی تار: کوک

بی گمان واژه کوک را را زیاد شنیده‌اید که همان هماهنگ کردن ساز و آواز است و در بیشتر سازها هماهنگی بین سیم‌های گوناگون که از قانونی ویژه پیروی می‌کنند را کوک ساز می‌گویند. هر کوک نامی ویژه ای دارد مانند کوک ماهور یا کوک همایون و... که بسیار بین نوازندگان و خوانندگان مانایی دارد. در ساز تار نیز کوک‌های گوناگونی نواخته می‌شود که برای آشنایی چندتایی که بیشتر به گوش آشناترند را نگاشته‌ایم.

کوک ماهور و چهار گاه دو: سیم اول do سیم دوم sol سیم مشتاق و بم do

کوک همایون و نوا سل: سیم اول do سیم دوم sol سیم مشتاق و بم re.

کوک سه گاه لاکرن: سیم اول do سیم دوم sol سیم مشتاق la کرن و سیم بم fa.

کوک شور: سیم اول do سیم دوم sol سیم مشتاق do سیم بم fa.

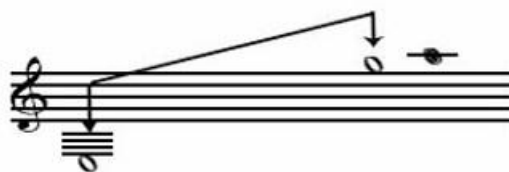
کوک راست پنجگاه: سیم اول do سیم دوم fa سیم مشتاق و بم do.

گستره صدادهی

بیشترین صداهایی که از ساز تار برای نواختن نغمه‌های گوناگون می‌توان درآورد بیست صدا یا نت خواهد بود که کم و بیش دو و نیم اکتاو است. گاهی نیز با کوکی ویژه در سیم‌های مشتاق و بم نت‌های بیشتری را می‌توان نواخت.

یکی دیگر از ویژگی‌های کوک ساز تار در برابر سازهای دیگر، کوک پذیری آسان تار است. آسان کوک پذیری ساز تار آن را پرکارترین ساز ارکستر ایرانی کرده است.

همان گونه این ساز شگفت ایرانی کوک پذیری و صدادهی بسیار خوبی دارد یکی از کمبودهای آن نیز همچون دیگر سازهای چوبی و پوستی آن است که در برابر اندک نم هوا بسیار زود کوک خود را ازدست می‌دهد و این بزرگترین کمبود این ساز به شمار می‌رود.



گستره صوتی با تمام فواصل کروماتیک

ساز آفرینان تار

هیچ گاه نمی‌توان نقش ارزنده سازندگان چیره دست ساز را در کارزار موسیقی ایران نادیده گرفت. نوازندگان چیره دست و توانا هرچند از هوش و دانش بسیار برخوردارند همواره نیازمند ساز آفرینان بوده و خواهند بود. کار دست و ساخت ساز از چوب برای نوازنده‌ای که می‌بایست همواره از دست خود برای نوازندگی بهره برد کار آسانی نیست. همچنین برای سازنده‌هایی که کار سخت با دست خود انجام می‌دهد نواختن شیرین دشواری‌هایی چند دارد. از این روست که نوازنده و سازنده همچون بال‌های دو پرند پر پرواز جاودانگی نغمه‌ها را می‌آفرینند تا به ستایش زیبایی‌های گیتی بپردازند.

ساز آفرینان روزگاران درازی را با پژوهش و تلاش دوشادوش موسیقی دانان سپری کرده‌اند و گاه راه ناهمواری را هموارتر کردند. بسیاری از پیشینیان گمنام که خاموش شده‌اند صدای سازشان با دستان دیگری همچنان به گوش می‌رسد. طنین اره و رنده با نغمات درآمیخته و شور و شادی آنها از رگه های آوند چوب گوش را نوازش می‌دهد. بی‌گمان اگر این آفریدگان ساز نبودند چه می‌شد!

بلبلی را که سینه بخراشد از دم او صفیر نتوان یافت

خاقانی

استادحسینعلی ملاح در کتاب فرهنگ سازها این گونه از سازندگان تار و سه‌تار نام برده‌اند:

فرج‌الله

از سازندگان نامی سه تار، تار و کمانچه بوده است سازهای ساخت فرج‌الله سرمشق سازندگان پس از وی گشته است. فرج‌الله در دارالصنایع کارگاه داشت. دارالصنایع نیز به دستور امیرکبیر برای متمرکز کردن صنعتگران در زمان ناصرالدین شاه در کنار سبزه میدان تهران برپا گشته بود.

حاج محمد کریم‌خان

از سازندگان بنام اواخر صفویه بوده است. تار، سه‌تار، سنتور و کمانچه می‌ساخته اما کمانچه‌های وی از دیگر ساخته‌هایش بهتر بوده است.

یحیی

وی از آرامنه‌ی جلفای اصفهان بوده و چون پس از وی یحیی‌ای دیگری در ساخت تار شهرت پیدا می‌کند او را یحیی‌ای اول نامیده‌اند. سه‌تارهای وی بیشتر از گونه‌ی کاسه بزرگ بوده است.

حاج طائر

او نیز در دارالصنایع سازهای گوناگونی می‌ساخته است. اما سه تارهای او بهتر از سازهای دیگر ساخت دست وی بوده است.

هامبارسون

او نیز از آرامنه‌ی اصفهان بود. پیش از آنکه تارهای یحیی دوم آوازه پیدا کنند سازهای او نزد اهل موسیقی نواخته می‌شد.

خاجیک

پدر یحیی دوم و سازنده‌ی بنام سازهای تار و سنتور بود.

یحیی دوم

فرزند خاجیک و برادرزاده هامبارسون بود. پدر و عموی یحیی هر دو در اصفهان کارگاه داشتند. او نخست با آموزش پدر تار سازی را فراگرفت و با دانش و مهارتی که پیدا کرد تار را با تغییراتی که داد خوش نواتر کرد. پس از چندی به تهران آمد و در ساختن این ساز بیشتر کوشید. مشهور است که او سازهای نادرست خود را آزموده و اگر خوب نبودند آن را می‌شکست. بنابراین سازهای بجا مانده از او همه خوش صدا هستند. نگارنده با یکی از سازهای کمیاب و بسیار خوش‌خوان ایشان که نزد استاد فریدون حافظی بود نوازدگی کرده‌ام که عکس آن را در کتاب تار این مجموعه دیده‌اید. از شاگردان یحیی نیز دو برادر بسیار خوب این صنعت را پس از او به پیش رانند که عباس و جعفر نام دارند.

عباس و جعفر صنعت کرمانشاهی

از بهترین شاگردان یحیی بوده‌اند. برادر بزرگ جعفر صنعت است که در ساخت تار هنرمند بوده و در رفع معایب سه‌تار بسیار هوشمند. جعفر نیز تارهای خوبی می‌ساخته که در میان اهل فن زبان‌زد است.

عبدالله

از دیگر شاگردان خوب یحیی است که در این صنعت مهارت داشته است.

ملکم دانیالیان

از اساتید معروف سازنده تار در اصفهان بود. تارهای او خوش ساخت و زیبا بودند. کاسه‌های تار او اندکی بزرگتر از تاریحیی است.

محمد نوابی (عشقی)

از سازندگان مشهور سه‌تار و از شاگردان سید جلال بوده که هفت سال نزد او این فن را آموخته است. پس از چندی کارگاهی کوچک در میدان تجریش تهران دایر کرد و به ساختن ساز پرداخت.

برخی از نوازندگان تار:

نوازندگان چیره دست روزگاران گذشته و امروز ما، نغمه‌های جاودانی را برای ما به ارمغان گذاشته‌اند که نام تنی چند از ایشان را در ادامه ذکر می‌کنیم.

آقا علی اکبر خان فراهانی، میزرا عبدالله، آقا حسین قلی، علی اکبرخان شهنازی، غلامحسین درویش، کلنل علی نقی وزیری، موسی خان معروفی، عبدالله حسین شهنازی، یحیی زرینجه، مرتضی خان فی داود، نصراله زرین پنجه، ارسلان درگاهی، لطف اله مجد، غلامحسین بیگجه خانی، فرهنگ شریف، جلیل شهناز، فریدون حافظی، هوشنگ ظریف، مجد رضا لطفی، حسین علیزاده، زیدلله طلوعی، داریوش طلایی، عطا جنگ کوک، داریوش پیرنیکان، ارشد طهماسبی و...

نتیجه

با توجه به موارد اشاره شده در این مقاله، می‌توان با تاملی در موسیقی نواحی و نشیب و فرازهای آن به نتایجی دست پیدا کرد که شاید پیشرفت آتی این هنر، در گرو آن باشد. امید است با نگرشی نو به این مقوله، راهی در تکامل آن بیابیم.

- نیاز به احیاء و حفظ موارث هنری گذشته و انتقال آن به نسل آینده.

- آسیب‌شناسی وضع موجود.

- فقدان و کمبود منابع.

- نبود نیروی متخصص و تعیین سطح کیفی هنرمندان و عدم ممیزی.

- غلبه فلسفه هنر غربی بر مطالعات نظری محققان.
- آداب خنیاگری آموخته شود.
- اخلاق در هنر.
- فن در هنر.
- ادبیات و رابطه تنگاتنگ آن با هنر.
- مناسب خوانی و مناسب نوازی.
- مرد و زن چه بخوانند و چه بیاموزند.



منابع

- پیمان پورشکیبائی و رضا جدیدی (1396): از رود خشک تا بانگ تَر، نشر رهی.
- مازیار حیدری (1394): راز ساز در ساختار تار، فرهنگ بوستان.
- لئون تولستری (1387): هنر چیست؟، ترجمه کاوه دهگان، انتشارات امیرکبیر.
- استاد مجد تقی جعفری (1369): زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، حوزه هنری تبلیغات اسلامی.
- دکتر حسن بلخاری قهی (1388): آشنایی با فلسفه هنر، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، انتشارات سوره مهر.
- مجدرضا درویشی (1382)، لیلی کجاست؟، انتشارات ماهریز.
- دکتر حسین مجدزاده صدیق (1379): آشنایی با رسالات موسیقی، انتشارات فاخر.
- فرانسیس گالپین (1376): موسیقی بین النهرین، ترجمه: محسن الهامیان، انتشارات دانشکده هنر.